

امام کاظم علیه السلام فرمودند:
خوشایه سعادت اصلاح کنندگان بین مردم
که آنان همان مقریان روز قیامت اند
تحف العقول ص ۳۳



پوشش جالب یک پسر هندی که فروشنده خیابانی گل و سبزی است، عکس از گاردین



سوار کاری با دو اسب در حاشیه یک جشنواره در روسیه، عکس از اسپتینیک نیوز



فعال شدن یک کوه آتش فشانی در ناپل ایتالیا که بسیار نزدیک به شهر است، عکس از خبرگزاری فرانسه

دنیانه روایت تصویر

در محضر بزرگان

زیارت بروم یا قرضم ر ا پس بدهم؟

حجت الاسلام حسینی قمی درباره اهمیت حق الناس و برگرداندن پول قرض گرفته شده گفته اند:

کسی خدمت امام جواد(ع) رفت و گفت: «دلم می‌خواهد چند وقتی بروم مکه زندگی کنم و در جوار خانه خدا اقامت کنم ولی به مردم هم بدهی مالی دارم. شما چه می‌فرمایید؟ بروم یا بایستم و بدهی مردم را بدهم؟» حضرت فرمودند: «اول برو بدهی‌هایت را بده و کاری کن وقتی که از دنیا می‌روی به کسی بدهکار نباشی زیرا مومن، خیانت نمی‌کند.» یعنی اگر من به مردم بدهکار باشم و به دنبال کارهای خیر و مستحبی بروم، کربلا و مشهد بروم، اگر زمان پرداخت قرض مردم رسیده است و طلبکار طلبش را خواسته است، اگر قرض مردم را ندهم و مالم را صرف کار مستحبی کنم، خیانت کرده‌ام. چنین فتوا داده اند:

این جانب از مدتی پیش دچار کمر درد و دیسک کمر شده‌ام و مدتی است که بر اثر فشارهای ناشی از کمر درد از ناحیه هر دو زانو پا نیز دچار مشکل شده‌ام به گونه‌ای که پزشک متخصص تأکید کرده به هیچ عنوان نباید زانوهایم را خم کنم. با توجه به مشکل به وجود آمده نمازم را به طور ایستاده به سختی می‌توانم بخوانم که این کار باعث تشدید کمر درد و زانو دردم می‌شود. از چند نفر نیز سؤال کردم که گفتند هر طوری که راحت هستم نماز بخوانم؛ بنابراین خواهشمند است برای ادای صحیح نماز، راهنمایی لازم را بفرمایید.

جواب: در فرض مرقوم، اگر بتوانید با تکیه به دیوار یا عصا ایستاده نماز بخوانید، باید بایستید و در صورتی که ایستادن حتی با تکیه دادن موجب تشدید بیماری یا مشقت شدید باشد، نماز را نشسته بخوانید.

محمد علی ندائی - نماز گزار باید به هر مقدار که می‌تواند حتی با تکیه دادن به دیوار و امثال آن بایستد، اگر شخص می‌تواند حمد و سوره را ایستاده بخواند و رکوع را نمی‌تواند، می‌تواند پس از حمد و سوره بر روی صندلی بنشیند و اگر تنها هنگام تکبیرة الاحرام می‌تواند بایستد؛ باید چنین کند اما از همان ابتدا نمی‌تواند روی صندلی یا زمین بنشیند و نماز بخواند. حضرت آیت ... خامنه‌ای در استفتایی در این باره چنین فتوا داده اند:

سوال: این جانب از مدتی پیش دچار کمر درد و دیسک کمر شده‌ام و مدتی است که بر اثر فشارهای ناشی از کمر درد از ناحیه هر دو زانو پا نیز دچار مشکل شده‌ام به گونه‌ای که پزشک متخصص تأکید کرده به هیچ عنوان نباید زانوهایم را خم کنم. با توجه به مشکل به وجود آمده نمازم را به طور ایستاده به سختی می‌توانم بخوانم که این کار باعث تشدید کمر درد و زانو دردم می‌شود. از چند نفر نیز سؤال کردم که گفتند هر طوری که راحت هستم نماز بخوانم؛ بنابراین خواهشمند است برای ادای صحیح نماز، راهنمایی لازم را بفرمایید.

جواب: در فرض مرقوم، اگر بتوانید با تکیه به دیوار یا عصا ایستاده نماز بخوانید، باید بایستید و در صورتی که ایستادن حتی با تکیه دادن موجب تشدید بیماری یا مشقت شدید باشد، نماز را نشسته بخوانید.

فتو شهر



بریده کتاب

مخاطبی که در دسترس مان نیست!

به شدت نیاز داشتم با کسی حرف بزنم. تلفن رو برداشتم تا شماره ای بگیرم اما هیچ کس رو نداشتم، دفترچه تلفن من پر از اسم های جورواجوره، اما وقتی دنبال کسی می‌گردم تا بتوانم چند کلمه ای باهاش حرف بزنم، می‌بینم که به صورت مفتضاحانه ای هیچ فردی رو ندارم و اون اعدادی که جلوی اسم ها نوشته شده مثل اعدادی که روی په چک بی محل نوشته شده باشه، بی ارزش اند!

برگفته از کتاب «قهوه سرد آقای نویسنده»، اثر روزبه معین

اندک صبر

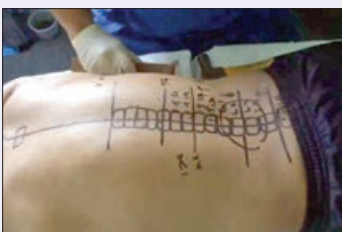
دلخوشی ها کم نیست

دلخوشم با نفسی، حبه قندی
چایی
صحبت اهل دلی
فارغ از همه‌مہ دنیایی
دلخوشی ها کم نیست
دیده ها نابیناست



دور دنیا

رفع دیسک کمر با چکش!



عکس های MRI برای تشخیص محل مهره آسیب دیده کمک بگیرد، با استفاده از دستش و لمس ستون فقرات، مهره آسیب دیده را پیدا می‌کند و بعد با چکش و چوب و ضربه زدن مهره را در مان می‌کند!

کنسرت ۸ ثانیه ای!



آرپیتی سنترال/ یک گروه موسیقی در توکیو، طرفداران شان را با کنسرت جدیدشان شوکه کردند! این گروه که به تازگی در میان جوانان مشهور شده است، کنسرت رایگانی را برگزار کرده بود که با استقبال تعداد زیادی از طرفداران مواجه شد اما در اوج ناباوری طرفداران، از زمانی که گروه مورد علاقه شان روی صحنه برای اجرا ظاهر شدند تا زمانی که کنسرت به پایان رسید، فقط ۸ ثانیه طول کشید! این گروه اعلام کرده است که جدیدترین آهنگ آن‌ها فقط ۸ ثانیه است!

بزرگ ترین شی، کادو شده در دنیا!



گینس وِرلِد رِکُورِد/ شرکت «ولسو» برای این که از جدیدترین تریلی اش رونمایی کند، دست به ابتکار جالبی زد. این شرکت تصمیم گرفت تا با بسته بندی این محصول غول پیکر جدید، رکورد جدیدی را در گینس ثبت کند. این تریلی بزرگ به کمک پسر بچه ای که یکی از طرفداران پر و پا قرص ولوو است، بسته بندی شد. کارشناسان گینس اعلام کرده بودند که برای ثبت این رکورد، بسته بندی روی خودرو، بدون دخالت هیچ وسیله ای و با کمک دست باید باز شود و جعبه اصلی بعد از باز شدن، هیچ آسیبی ندیده باشد. این جعبه با ابعاد ۸۰ در ۱۴ در ۱۸ ساخته شده بود.

تلاش جالب برای مقابله با نژاد پرستی!



آرپیتی سنترال/ مادر بزرگ ۷۱ ساله آلمانی، «ایرمیلا اسپچیم» ۳۱ سال است که همه زندگی اش را وقف پاک کردن شعارهای افراطی-نژاد پرستان آلمانی از در و دیوار شهرش کرده است. او در تمام این سه دهه پا افشانه تمام شعارهای نازی ها و نژاد پرست های آلمانی علیه نژادهای دیگر را از دیوارها پاک کرده و بارها از سمت فرقه های افراطی به مرگ تهدید شده است. هر چند این کار ارزشمند جایزه های صلح بسیاری را برای او به ارمغان آورده اما چندین بار به دلیل تصرف در ملک شخصی دیگران، بازداشت و جریمه شده است.

کله چفوکی

آق کمال به خرید می رود

چند روز بود کاملیا خانم مگفت برم خرید. نه که از خرید کردن خوشم نیه، موضوع ای بود که قرار بود با مادرش برم. زبونم لال از بیرون رفتن با مادر عیال قرار نمیکردم، از عوارض بعدش خوف داشتم. از چرخ زدن تو کل مغازه‌ها و مرکز خریدهای شهر گریخته تا ای که بعد از خرید رنگش مقبول نبشه و اندازه نبشه و صد بار دگه برم عوض کنم و پس بدم و با فروشنده چک و چانه بزنم. بالاخره به ضرب و زور ما گیر انداخت و گفت دالا بزن برم. چاره‌ای نبود. از مو به شما نصیحت، در زندگی مسائلی هست که ارزش فراری نیست، پس سعی کنن خیلی قیشنگ خودتانه به دست او مسائل بسپرن و یگ چیزی از توش دربیارن که بشه ازش لذت برد. مثلاً خودم گوشیمه شارژ کرده بودم و چند تا بازی خوب هم رخته بودم که تو مراسم خرید امشب، همه ره به مرحله آخر برسونم، دم در مغازه‌ها و تو ماشین! طبق معمول از زیست خاور شروع کردم. به مصیبت یگ جای پارک گیر آوردم و گفتم خوش آمدن! عیال گفت: «یعنی چی؟» گفتم: «مو یگ کم کار دژم، همینجی منامن، شما با خیال راحت تا پاسی از شب دورتانه بزنن و برگردن، در خدمتم!» مادر عیال گفت: «پسرم خودت رو کار داریم. پاشو بیا.» گفتم: «او چیزی که کارش درن همراه گل دخترتان هستش، رمزش هم سال تولد خودشه!» کاملیاخانم گفت: «لوس نشو، به قول خودت وُخه!» قربونش بژم نقطه ضعف مو ره مدنه که اگه به لچه خودم حرف بزنه، هیچ رقمه نمتمن حرفشه زمین بندازم. مخصوصا اگه یگ لیخند مکش مرگ ما هم بزنه که دگه حاضرژم جونم هم فداش کنم. پامانه گذاشتن تو پاساز و خودمه سپردم دست قضا و قدر. عجیب بود یگ راست رفتن سر اصل مطلب و یگ مغازه مخصوص. مادر عیال به فروشنده گفت همونا ره که دیده بودم بیان. آقاچه هم یگ پیرهن و یگ سلوار گذاشت رو میز. عیال گفت: «برو تو اتاق پرو بین اندازه نه؟» انا حالا خوب بودم، همی جور چارشاخ مانده بودم که خانم دکتر گفت: «برو پسرم، اینا رو برات دیده بودم، خواستم خودت بیای که اندازه‌ات باشه.» عرق شرم به همه جونم نشست. چقدر مو پشت سر ای فرشته حرف زده بودم. از خودم بدم می‌آمد که چقدر زود قضاوت کرده بودم. گرچه پولشه خودم دادم و تا نزدیک نصف شب تو بقیه مغازه‌های شهر چرخ زدم که برای خودشا چیزی پسند کنن، ولی خب! آق کمال

تا حالا دقت کردین؟



ایده و اجرا: صابری، مرادی

ماوشما

شماره پیامک: ۰۹۰۰۹۹۹

* قسمت اختراعات عجیب ژاپنی‌ها بسیار جالب بود. لطفا از این موارد بیشتر چاپ کنید. ممنون. علیرضا، مشهد
* نمی دونم ملاک طنز بودن دیالوگ های «چی میگه؟» چیه؟ از نظر من بعضی از بی مزه هاش هم بامزه بود. مهدی، بجنورد
* لطافت سناک را واقعات سناک کنید و آن را بی پایان نگذارید.
* اختراعات ژاپنی‌ها خیلی جالب بود. خیلی خوبه برای هر نودری، مشهد
* اگر خانمم ۵ قلو پسر بزراد، من هر ۵ تای آن‌ها را به افتخار اسم آق کمال این گونه نام گذاری می‌کنم: کمال الدین، کمال الحق، کمال الملک، کمال الدوله و عبدالکمال!
* اگر جای امید به حرف های آقای حسین زاده بود که این قدر طنز آقای کاردار، شور و در عین حال پر طرفدار نبود.
* واقعا که داور های ستون اچی میگه؟ از طنز اصلا سردنمیارن!
* همسر عزیزم حسن جان، به خاطر تمامی زحمات از تو سپاس گزارم.
دوستدار تو، ملیحه



خودمونی

شهر من به تو می‌اندیشم!

خانه ما در بولواری بود که از وسط اش جوی‌های بزرگ آب رد می‌شد و درخت‌های سالخورده داشت. جمعه‌ها تقریباً نصف مردم شهر وسط بولوار بودند؛ روی زیرانداز، زیر درخت توت! ما هنوز هم در همان بولوار زندگی می‌کنیم و همان‌طور که حدس می‌زنید الان دیگر هیچ نشانی از جوی آب و درخت در آن نیست. اما نگران نباشید، قرار نیست از حسرت روزهای خوش گذشته‌ام برایتان بنویسم؛ چون اصولاً متقدم غصه‌خوردن برای چیزهایی که نقشی در از دست‌رفتن شان نداشته‌ام، بیپوده است؛ غیر از این که حواسم به گذر زمان و اقتضات و الزاماتش هم هست. یاد می‌آید آن اوایل، وقتی برای اولین بار، سر راهم یکی دوتا فست‌فود و کافی‌شاپ دیدم، حساسی ذوق‌زده شدم و بالا و پایین پریدم؛ چون دیگر لازم نبود برای خوردن یک ساندویچ یا یک فنجان قهوه تا آن سر شهر بروم. حالا اما مدت‌هاست که هیچ چیز در این بولوار قدیمی ذوق‌زده‌ام نمی‌کند. نه که دیگر خبری از فست‌فود و کافی‌شاپ جدید نباشد، بلکه دقیقاً به این دلیل که هر روز شاهد افتتاح یک فست‌فود و فینگر‌فود و قهوه‌بیرون‌بر و اِسْموتی‌باری و مانند این‌ها هستم. این اتفاق محدود به منطقه زندگی من نیست، شما هم احتمالاً متوجه حمله بی‌امان خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها به محل زندگی‌تان شده‌اید! من الان دیگر هر جای شهر که باشم می‌توانم خیلی راحت دلی از عزا دربیاورم، امکان ندارد چیزی هوس کنم و بهش نرسیم. هنوز اما برای رفتن به سینما و تِکارخانه و فرهنگ‌سرا و کتابخانه و کتاب‌فروشی باید تا آن سر شهر بروم. نمی‌دانم کجا خواندم که بیشترین بارزترین تصویر از هر شهر، نشان‌دهنده علاقه و نیاز ساکنان آن شهر است. من این روزها وقتی چشم‌هایم را می‌بندم و خیابان‌ها و کوچه‌های شهر را در ذهن تجسم می‌کنم، تنها تصویری که می‌بینم این است؛ جایی برای خوردن و نوشیدن، و آیا این تمام علاقه و نیاز ما و تنها خواسته ما از شهرمان است؟ و این آیا همان تصویری است که ما دوست داریم دیگران ما را به آن بشناسند؟
الله‌توانا

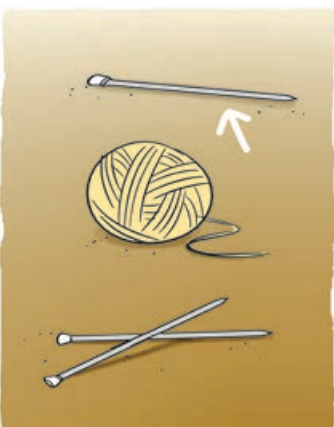
ته‌چین مرغ دوست داشتنی!

سلام. چندتای پیامک بخونین:
* ۰۹۱۵۹...۰۹۱۵۷...۶۷۹: بابااستریپ‌جان!
باز این دفعه خیلییییییییی خفن بودیا!
پدرم در آمد!
* ۰۹۳۶۹...۰۹۳۶۹: دلتون برامن تنگ شده بود؟گرفته بودم مسافرت گوشیم گم شد.(بزرگ خفن)
* ۰۹۳۵۶...۰۹۳۵۶: سلام. خسته نباشید. ممنون از مسابقه خوبتون، مخصوصاً این شماره ۱۷۰ واژه های دوم‌سوم‌مثل‌مسابقه‌های قبلی خیلی آسون بود،دیگه داشت یکنواخت‌میشد ولی این واژه اول نیم ساعتی وقت گرفت تاپیداش کردم.باتشکر. پاسخ مسابقه شماره ۱۷۰: ته چین مرغ / تیمور / پرتاب کردن

مسابقه شماره ۱۷۱

با نگاه طنز، زیر هر تصویر، کلمه معناداری نوشتیم. بعدش هر حرف الفبا رو به علامتی تبدیل کردیم.

شما بگین کلمات چی هستن! پاسخ رو تا ساعت ۲۳ فقط به خط اختصاصی ۰۷۲۲۵۲-۳۰۰۰ پیامک کنین. جایزه نقدی به قید قرعه برای کسانی واریز می شه که پاسخ صحیح ۳مسابقه پیاپی رو فرستاده باشن. پاسخ در ستون «ما و شما»ی بعدی! متن کل پیامک های رسیده در وب سایت!



÷!*/:



=÷×-



÷!×*(